یادداشت میهمان

«نفوذ جریانی» و جریان ضد دفاعی

۱- رهبرمعظم انقلاب ۴ آذر سال گذشته در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج به تبیین موضوع نفوذ پرداختند و با بیان شاخص‌های «نفوذ موردی و فردی » و « نفوذ جریانی» تاکید کردند: «نفوذ جریانی» از «نفوذ فردی و موردی» خطرناک‌تر است. خلاصه و جمع‌بندی سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آن دیدار این بود که شبکه «نفوذ جریانی» با جذب افراد اثرگذار در جامعه و سیاست و همچنین تاثیرگذار در سرنوشت و آینده کشور، یک هدف جعلی و دروغین را به صورت گسترده مطرح می‌کنند تا باورها، آرمانها و نگاه‌ها را تغییر دهند و کسانی که تحت دایره نفوذ آنها قرار گرفته‌اند، آن جوری به مسئله نگاه کنند، که یک آمریکایی نگاه می‌کند و آن جوری عمل کنند، که مأمور سیا می‌خواهد.

۲-یکی از شبکه‌های«نفوذ جریانی» که از واپسین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در کشور شکل گرفته «جریان ضددفاعی » است تا راه را برای تحقق اهداف دشمن میسر کند، که البته تاکنون نتوانسته است. نکته مهم در ناکام ماندن توطئه‌های این شبکه ضددفاعی، این است که از همان سال اول پیروزی انقلاب تاکنون، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مسئولیت‌های مختلف نقش اصلی را داشته‌اند و با اقتدار و مقاومت نقشه‌های این شبکه را نقش بر آب و خنثی کردند. نکته مهم‌تر در ایستادگی رهبرمعظم انقلاب در برابر این جریان نفوذی، موضع ثابت و لایتغیر ایشان است، به طوری که هم در سال ۵۸ آگاهان جریان نفوذی ضد دفاعی در کشور را خائن خواندند و هم در سال۹۵ آنها را خیانت‌کار معرفی کردند.

۳-«جریان نفوذی ضد دفاعی » در اولین قدم، پس از بیعت تاریخي نوزدهم بهمن ۵۷ همافران با امام(ره)، ابتدا بحث انحلال ارتش را با این ادعا که طاغوتی است، مطرح کردند، اما با شجاعت، دوراندیشي و واکنش قاطع حضرت آیت‌الله خامنه‌اي بعنوان نماینده تام‌الاختیار حضرت امام(ره) در شوراي عالي دفاع روبه‌رو شدند. بعدها حضرت امام(ره) ارتش را ارتش الهی خواندند و تاکید کردند : «در قدم اول آنهایی که تابع سیاست‌های خارجی هستند... می‌خواستند ارتش را نابود کنند و این قدرت را از ایران بگیرند تا صدام بیاید هرجا دلشان می‌خواهد!... ارتش را با کمال قدرت حفظ می‌کنیم.» (صحیفه امام، ج۱۴، ص ۴۴۲).

۴-بعد از ناکامی در قدم اول، «جریان نفوذی ضد دفاعی » در قدم بعدی در سال ۵۸ که آمریکا از یک سو در پشت پرده در حال زمینه‌سازی و تحریک صدام برای تحمیل جنگ هشت ساله علیه ملت ایران بود و از سوی دیگر قصد داشت ملت ایران را از قدرت دفاعی تهی کند، تا با تحمیل جنگ به اهداف خود، که همانا فتح سه روزه و یک هفته‌ای تهران بود، برسد، عده‌ای را در داخل کشور اجیر کرده بود تا از سر دلسوزی! بگویند ملت ایران نیاز به هواپیماهای اف ۱۴ خریداری شده در زمان پهلوی ندارد و باید آنها را به آمریکا پس داد و پولش را بگیریم و صرف سازندگی کشور کنیم.! آن زمان نیز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که معاون وزیر دفاع در امور انقلاب و عضو شورای انقلاب بودند، در نخستین و شدیدترین واکنش جلوی این اقدام خیانت بار ایستادند و تاکید کردند: «با فروش هواپیماهای اف۱۴قدرت هوایی ارتش ایران را در مهم‌ترین منطقه استراتژیک دنیا تا حد «فلج» ضربه پذیر می‌کنیم.». «به‌هیچ وجه جایز نمی‌دانیم از قدرت دفاعی غافل بمانیم» (۱۴ و ۲۶ مرداد ۵۸). رهبرمعظم انقلاب بعدها در اسفند ۶۲ از دوگانگی و مواضع متناقض این جماعت نیز پرده برداشتند: « حالا کی می‌گفت که ما اف۱۴ آمریکایی می‌خواهیم چکار کنیم؟ آنهائی که با برژینسکی ملاقات می‌کردند!... گفتم هر کس اسم این کار را بیاورد خائن است، فهمیدند که نمی‌شود این کار را کرد... امروز کسی شک نمی‌کند که آگاهانشان خیانت کردند»

۵- در گام سوم، پنج روز بعد از کودتای نوژه در ۱۸ تیرماه ۵۹ «جریان نفوذی ضد دفاعی»درصحن علنی مجلس شورای اسلامی با فضاسازی‌های رسانه‌های بیگانه و نظام استکباری باز در لباس دلسوزی! به طور رسمی خواستار انحلال تیپ ویژه۱۲هزار نفری نوهد یا «کلاه سبزها» که از زبده‌ترین نیروهای ارتش بودند، شدند:« راجع به نیروهای مخصوص ارتش(نوهد) بارها به مسئولین پیشنهاد شده که این نیرو را منحل کنند و اینها خطرناک هستند»! (... نماینده وقت مجلس -جلسه ۲۳ تیر ۵۹). اما این تلاش با واکنش تند و انقلابی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و شهید دکتر چمران، وزیر وقت دفاع عقیم ماند و مجلس نیز با رد طرح این جریان نفوذی، توطئه آنها را خنثی کرد.

۶-اقدامات ضد دفاعی «شبکه نفوذ جریانی» با محوریت بنی‌صدر در ابتدای جنگ هم حدیث مفصل دیگری است که شرحش خارج از حوصله این مطلب است.

۷-«جریان نفوذی ضد دفاعی» پس از ناکامی در انحلال یا تضعیف ارتش و جبهه‌های جنگ در گام بعدی به سراغ سپاه می‌روند که تاکنون سپاه سیبل شبکه «جریان نفوذی ضد دفاعی » است. این شبکه در بحبوحه جنگ زمزمه انحلال تیپ‌ها و لشکرهای سپاه را با موج تبلیغاتی رسانه‌های بیگانه در داخل کشور مطرح کردند که بر روحیه رزمندگان در جبهه‌های جنگ تاثیر منفی گذاشت، اما با تیزبینی به موقع حضرت امام ره جلوی این حرکت خیانت آمیز گرفته شد و بنیانگذار جمهوری اسلامی در ۲۶ شهریور۶۴ در حکمی به فرمانده وقت سپاه ماموریت دادند:« هرچه سریع‌تر سپاه پاسداران را مجهز به نیروهای زمینی، هوایی، دریایی قوی نمائید، تا با همکاری و هماهنگی ارتش جمهوری اسلامی از مرزهای کشور حفاظت نمایند.» جریان نفوذی با ترغیب یکی از مسئولان ابتدا با انتشار این حکم امام ره مخالفت و از پخش آن در صدا و سیما جلوگیری کردند.«حاج احمد آقا در تماس تلفنی باحقیر(فرمانده وقت سپاه)گفتند آقای...با انتشار و علنی شدن این حکم مخالف‌اند» .اما باز با نهیب حضرت امام ره مواجه شدند و رهبر کبیر انقلاب با قاطعیت فرمودند: «حکم را منتشر کنید». بعد از این ناکامی برخی از اعضای جریان ضد دفاعی که در برخی از مناصب دولتی نفوذ و مسئولیت‌ها را اشغال کرده بودند، از دادن امکانات به سپاه امتناع کردند که با دستور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رئیس‌جمهورهمه نهادها و دستگاه‌های مسئول موظف به همکاری با سپاه شدند.

۸- در سالها بعد نیز این «جریان نفوذی ضد دفاعی» در جلسات خصوصی و عمومی و در روابط پشت پرده خود با بیگانگان از جمله در ماجرای مک فارلین و همچنین نامه نوشتن رئیس دولت اصلاحات به رئیس‌جمهور آمریکا از چگونگی دست برداشتن از مقاومت در منطقه و محدودیت نیروهای مسلح در داخل سخن بسیار گفتند و از طریق رسانه‌های داخلی و خارجی قدرت دفاعی کشور را تحت فشار قرار دادند.چنانچه یکی از افراد تحت تاثیر این جریان در خاطراتش ذکر کرده: « آقای ... آمد و راجع به طرح ادغام نیروهای زمینی ارتش و سپاه مذاکره کردیم، وحدت نظر داشتیم » (پایان دفاع آغاز بازسازی صفحه ۲۴۴).«تعدد مراکز نظامی مضر است» (۳ فروردین ۶۵). براساس همین اظهارنظرها و برخی هماهنگی‌های پشت پرده با دشمنان و دادن اطلاعات محرمانه کشور به خزانه‌داری آمریکا توسط عناصر و نزدیکان «جریان نفوذی ضد دفاعی» بود که بعد از فتنه سال ۸۸ شدیدترین تحریم‌های اقتصادی و نظامی آمریکا علیه ملت ایران اعمال شد.

۹-اما این جریان با مذاکرات هسته‌ای، وقت را غنیمت شمرده و با فریب دادن برخی مسئولان و در سایه برجام و FATF و همزمان با تشدید تحریم‌های موشکی، بدنبال برجام ۲ و ۳ و ... و درصدد القاء این مطلب به مردم هستند که اگر پیشرفت می‌خواهید باید مراکز تامین‌کننده امنیت خود را تعطیل کنید !. ابتدا در قانون بودجه کل کشور در سال گذشته و امسال، بودجه نیروهای مسلح و مراکز دفاعی کشور را کاهش دادند که تا حدودی با هوشیاری مجلس ناکام ماندند. سپس اواخر سال گذشته همصدا با رسانه‌های نظام سلطه مدعی شدند که « دنیای فردا، دنیای گفتمان است، نه دنیای موشک» که با عتاب و هشدار رهبرمعظم انقلاب در ۱۱ فروردین ۹۵ مجبور به عقب نشینی تاکتیکی شدند: «اینکه بعضی‌ها بیایند بگویند فردای دنیا، فردای مذاکره است، فردای موشک نیست، این حرف اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است». یکی از مسئولان تحریک شده توسط این جریان بعداز این عقب نشینی تاکتیکی ، ۳۰مرداد ۹۵مجدد در اجلاس مدیران و روسای آموزش و پرورش مدعی لزوم الگو گرفتن از کشورهایی همچون ژاپن و آلمان برای کنار گذاشتن توان نظامی، جهت رسیدن به پیشرفت شدند.! این بار نیز رهبرانقلاب در دیدار فرماندهان سپاه در ۲۸ شهریور ۹۵ با اشاره به این اظهارنظرها تأکید کردند:« اگر چنین سخنانی واقعاً بیان شده باشد، حرف غلطی است و هیچ عاقلی نیروی دفاعی خود را کنار نمی‌گذارد، باید قدرت دفاعی کشور را روزبه روز استحکام بخشید».

۱۰-اما چرا شناخت این شبکه «نفوذ جریانی» و اهدافش برای ملت ایران مهم است؟ به چند دلیل : اولاً باید با هوشیاری و بصیرت درباره آن تامل کنیم و بدانیم که علت همه تحریم‌های نظامی و اقتصادی و فشارهای سیاسی از اول انقلاب تاکنون چیست و چه کسانی و جریانی در نهان و آشکار برای اعمال این تحریم‌ها و فشارها با دشمنان ملت ایران همکاری و مذاکره می‌کنند؟و فریب سخنان فریبنده آنها را نخوریم . ثانیاً بدانیم مواضع این جریان پیام روشنی برای دشمن است تا با پشت گرمی، اقداماتِ خصمانه خود علیه ملت ایران را تشدید کند، چنانچه تاکنون کرده است. ثالثاً بدانیم مواضع این جریان موجب تحریک دشمن برای اقدام احتمالی نظامی علیه ملت ایران می‌شود، علی‌رغم اینکه ادعا می‌کنند ما می‌خواهیم سایه جنگ را از سر ملت ایران دور کنیم!. رابعاً بدانیم جریان نفوذی قصد دارند با طرح چنین مسائلی و فضاسازی‌های کاذب ملت و مسئولان را از اولویت اصلی کشور که همانا پیشرفت و حل مشکلات اقتصادی مردم است، باز دارند. خامساً بدانیم جماعت نفوذی در شرایط کنونی تلاش دارد با مشغول کردن فضای سیاسی کشور به چنین اظهارنظرهای شاذ، وعده‌های عمل نشده دولتمردان، حقوق‌های نجومی، فسادهای مدیران فرتوت، قراردادهای نفتی پرابهام و تعهدات داده شده به FATF ، ضعف خود در ایستادگی در مقابل تهدیدات و یاوه گویی دشمنان و وادادگی در برابر آمریکا .... را تحت‌الشعاع قرار دهند و به فراموشی بسپارند و به فعالیت خود ادامه دهند.

دکتر محمدحسین محترم

کیهان بررسی می‌کند

دست‌های پر از خالی راز دوقطبی‌های کاذب

سرویس سیاسی -

دوقطبی سازی‌های کاذب و دامن زدن به آن رازی دارد که باید آن را در دست‌هایی دید که از تحقق وعده‌های داده شده خالی هستند.

دوقطبی سازی تبعات گسترده‌ای دارد و لطمات بسیاری به جامعه خواهد زد. این دوقطبی‌سازی‌های دروغین گاهی برای ایجاد اصطکاک و تلف کردن نیروی جامعه و گاه با اهداف دیگری نظیر پوشاندن مسائل مهم روز و معضلات جامعه است چرا که جامعه دوقطبی به راحتی قابل نفوذ و قابل شکستن است و با کمترین هزینه می‌توان افراد را به جان همدیگر انداخت و امنیت روانی جامعه را مختل کرد.

معمولا هدف اول را دشمنان نظام دنبال می‌کنند. رهبر معظم انقلاب در اسفند ماه سال گذشته فرمودند: «منشأ اصلی دوقطبی‌سازی‌های دروغین، در خارج از کشور است اما متأسفانه برخی اوقات در داخل نیز تکرار می‌شود.» تبعات دوقطبی‌سازی‌های کاذب و منفی در کلام رهبر انقلاب این سه مورد است:

۱. شکاف در حاکمیت
۲. شکاف بین حاکمیت و مردم
۳. شکاف میان نخبگان سیاسی و امتداد آن در جامعه

تبعات دوقطبی‌سازی

دوقطبی‌سازی یا به بیانی دیگر؛ ایجاد فضای تقابل صدمات جبران‌ناپذیری را متوجه همبستگی جامعه می‌کند و این موضوع بستری بالقوه برای تفرقه و چنددستگی اجتماعی می‌کند.

نمونه ملموس نتایج دوقطبی‌سازی منفی در انتخابات سال ۸۸ نمودی آشکار داشت چرا که در یک جامعه دوقطبی به راحتی می‌توان زمینه‌های جنگ و نا آرامی‌های داخلی را مهیا کرد و حتی می‌توان موجبات درگیری‌های خونین خیابانی را فراهم ساخت.

بازی دوقطبی‌سازی انتخابات و مناقشاتی که در پی داشت منجر به آن شد که روند و نتایج انتخابات از سوی فتنه‌گران زیر سؤال برود و کار به آنجا رسید که معاندان نظام بهترین فرصت را برای ایجاد اغتشاش در جامعه دیدند و قریب به ۹ ماه جامعه ایران را دچار التهاب و اغتشاش کردند.

در این میان برخی رسانه‌های داخلی نیز با اهدافی دیگر به دوقطبی‌سازی دامن می‌زنند. هدف از این دو قطبی‌سازی‌ها بیشتر آن است که موضوعات اصلی به حاشیه رانده شود. اما چه کسانی منفعت خویش را در ایجاد این فضا در داخل کشور می‌دانند و لاجرم به دوقطبی‌سازی دامن می‌زنند؟

دغدغه‌های انتخاباتی برای ریاست جمهوری ۱۳۹۶ بسیار زود هنگام آغاز شد. منشا آن نیز روزنامه‌های زنجیره‌ای بودند. پروژه‌ای به نام «عبور کردن یا نکردن از روحانی» که بیشتر نوعی جنگ زرگری بود. به همراه این موضوع دوقطبی‌های فرضی برای انتخابات آینده تعریف شد و برخی رسانه‌ها به بازتاب و پمپاژ آن پرداختند.

میانه‌رو و تندرو

یکی دیگر از دوقطبی‌سازی‌هایی که توسط رسانه‌های معاند مطرح و متاسفانه در داخل نیز به آن دامن زده شد دوگانه «میانه رو- تندرو» بود. از این دو قطبی در موضوع برجام و برخورد با منتقدان آن نیز بیشترین استفاده شد.

رهبر انقلاب ضمن پرهیز از به کارگیری این الفاظ برای ایجاد دوقطبی فرمودند: «با تکرار ادبیات تندرو و میانه‌رو هدف دشمن را تامین نکنید.» معظم‌له در دیدار مردم نجف آباد در اسفند ماه سال گذشته به تبیین این دو واژه پرداختند و مسئولان و سیاسیون را به پرهیز از تکرار ادبیات سیاسی دشمن، به‌ویژه استفاده از تعبیر «تندرو» و «میانه‌رو» توصیه کردند و افزودند: «از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، بدخواهان این تعبیر را به‌کار بردند و منظور آنها از تندرو کسانی است که نسبت به انقلاب اسلامی و تفکر و اصول امام پایبندتر و مصمم‌تر هستند و مقصود آنها از میانه‌رو کسانی هستند که در مقابل بیگانگان، تسلیم و سازش‌پذیرتر هستند.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: «کسانی که در داخل این تعابیر را به‌کار می‌برند باید معارف اسلامی را به‌دقت مطالعه کنند زیرا در اسلام، چنین تقسیم‌بندی وجود ندارد و میانه و وسط، به معنای «راه مستقیم» است.

بنابراین در مقابل راه میانه، تندروی قرار ندارد بلکه منحرفین از صراط مستقیم قرار دارند. در مسیر مستقیم ممکن است عده‌ای تندتر بروند و عده‌ای هم کندتر، که این اشکالی ندارد.»

دوگانه سازی برجامیان و نابرجامیان برای انتخابات

دوقطبی‌سازی با عناوین «برجامیان» و «نابرجامیان» در سال گذشته و برای انتخابات تعریف شد و نخستین سوءاستفاده از این دوقطبی‌سازی منفی در جریان انتخابات مجلس دهم رخ داد. رسانه‌های معاند نظام نیز، فرصت را غنیمت شمرده و بر این دوگانه‌سازی کاذب دمیدند.

یکی از سایت‌های منتسب به جریان فتنه در ۱۸ بهمن ۱۳۹۴ یادداشتی را با عنوان «انتخابات؛ دوگانه برجامیان ـ نابرجامیان» منتشر کرد و رسما از دوقطبی‌سازی با عنوانی جدید برای انتخابات مجلس رونمایی کرد.

همچنین سعید حجاریان در اردیبهشت ماه سال جاری در گفت وگویی با روزنامه اعتماد به ارایه تحلیل خویش از انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخت. این تئوریسین مدعیان اصلاح‌طلبی دوقطبی «برجامیان» و «نابرجامیان» را برای انتخابات مجلس مطرح کرد و گفت: «در این انتخابات اخیر ما با یک مسئله دیگری هم روبه‌رو بودیم، اینکه ما در این انتخابات بیشتر با تقسیم‌بندی برجامیان و نابرجامیان رو به رو بودیم تا اصلاح‌طلبان و اصولگرایان. با چنین دسته‌بندی عقلای اصولگرا به اصلاح‌طلبان گرایش پیدا کردند و نابرجامیان ضعیف شدند در حالی که شاکله لیست اصولگرایان در تهران نابرجامی بود.»

بقیه در صفحه ۱۰

اظهارات گستاخانه وزیر اقتصاد آلمان در آستانه سفر به تهران

وزیر اقتصاد آلمان در آستانه سفر به تهران در اظهارنظری گستاخانه گفت: به دنبال توسعه روابط با ایران هستیم اما نقض حقوق‌بشر و مسئله اعدام را هم پیگیری می‌کنیم!

«زیگمار گابریل» وزیر اقتصاد آلمان که امروز(یکشنبه) وارد ایران خواهد شد درباره این سفر با نشریه آلمانی «اشپیگل» گفت‌وگویی داشت.

گابریل در این مصاحبه در اظهارنظری گستاخانه گفت: این سفر در راستای منافع آلمان و اروپا صورت می‌گیرد.ما باید یک بار گفت‌وگویی درباره روابط اقتصادی را پیگیری کنیم اما همزمان به مسایل اخلاقی، حقوق‌بشر، تسلیحات نظامی و مسایلی مانند این هم بپردازیم.

وزیر اقتصاد آلمان در ادامه توضیح درباره سفر خود به ایران گفت: در جهان کشورهای کمی هستند که با دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی شبیه اروپا اداره می‌شوند و بسیاری از کشورها استبدادی هستند.اما ما کشوری هستیم که با صادرات زنده هستیم و باید با چنین کشورهایی هم ارتباط داشته باشیم.

گابریل همچنین مدعی شد: باید در چنین کشورهایی جهت‌یابی روشنی داشت. مثلا در ایران حقوق‌بشر به شدت نقض می‌شود و یکی از مصادیق آن اعدام افرادی است که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. وی قول داد که مسایلی مانند موجودیت اسرائیل و انتقادها از نقش ایران در هم‌پیمانی با دولت «بشار اسد» رئیس‌جمهور سوریه را مطرح کند!

گفتنی است گابریل در تابستان سال گذشته نیز در اظهارنظری گستاخانه گفت: «اگر ایران خواهان برقراری روابط اقتصادی نزدیکتر با آلمان و کشورهای غربی دیگر است، باید روابطش را با رژیم صهیونیستی بهبود بخشد!».

به هیچ کشوری اجازه دخالت در امور داخلی‌مان را نمی‌دهیم

به گزارش فارس، بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به پرسشی در خصوص اظهارات وزیر اقتصاد آلمان در مصاحبه با نشریه اشپیگل، اظهار داشت:همانگونه که بارها تاکید کرده ایم مناسبات جمهوری اسلامی ایران و آلمان بر پایه منافع و احترام متقابل بنا شده و در این رابطه هیچگونه پیش شرطی پذیرفتنی نیست؛ علاوه بر آنکه در این ارتباط دخالت هرگونه عامل ثالث را کاملا مردود و مخل روابط دوجانبه می‌دانیم.

قاسمی در خصوص موضوع فلسطین که در اظهارات این مقام آلمانی آمده بود، افزود: جمهوری اسلامی ایران دفاع از حقوق مردم فلسطین را جزء تغییر ناپذیر سیاست خارجی خود می‌داند و از آرمان فلسطین هیچگاه و تحت هیچ شرایطی دست نخواهد کشید.

سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان مطرح کردن موضوع حقوق بشر از سوی این مقام آلمانی را نامربوط خواند و اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران به هیچ کشوری اجازه دخالت در امور داخلی خود را نمی‌دهد.

هنوز فرش قرمزی برای روحانی پهن نشده

به گزارش خبرگزاری‌ها، رویترز با اعلام خبر سفر وزیر انرژی آلمان به ایران به نقل از «یورگن هاردت» سخنگوی سیاست خارجی حزب صدراعظم آلمان نوشت که هنوز فرش قرمزی برای حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران پهن نشده و جمهوری اسلامی باید حمایتش از اسد را قطع کرده و رژیم صهیونیستی را به رسمیت بشناسد.

تجهیز صدام به سلاح شیمیایی، نمونه‌ای از حقوق بشر آلمانی

گفتنی است دولت آلمان در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی منفعل است و پس از شکست جنگ جهانی دوم نتوانسته از موضع مستقل در عرصه سیاست جهانی رفتار کند. آلمانی‌ها یکی از تجهیزکنندگان رژیم جنایتکار صدام به تسلیحات شیمیایی بودند که علیه ملت ایران و کردهای عراق استفاده شد.

خبر ویژه

جایزه مشترک برای کلاهبردار و مالباخته؟!

جان کری و جواد ظریف در فهرست نامزدهای دریافت جایزه صلح نوبل قرار گرفته‌اند.

به گزارش دویچه‌وله تا یک هفته دیگر برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۱۶ اعلام می‌شود. رئیس‌جمهور کلمبیا و رهبر گروه شورشی این کشور و همچنین روسای هیئت مذاکره‌کننده ایران و آمریکا در پرونده هسته‌ای از نامزدان مطرح دریافت جایزه هستند.

روز هفتم اکتبر در اسلو برنده امسال جایزه صلح نوبل معرفی خواهد شد. در مجموع برای سال جاری ۳۷۶ شخصیت و نهاد در فهرست نامزدان دریافت این جایزه قرار گرفته‌اند.

روسای هیئت‌های مذاکره‌کنندگان ایران و آمریکا در پرونده هسته‌ای، محمدجواد ظریف و جان کری را از شانس‌های دریافت صلح نوبل می‌دانند.

پیش از این جنایتکارانی چون شیمون پرز و هنری کسینجر و اوباما جایزه صلح نوبل دریافت کرده‌اند. جالب اینکه پرز به همراه یاسر عرفات جایزه مذکور را گرفت؛ حال آن که عرفات در نقش فروشنده سرزمین فلسطین و پرز در نقش غاصب حقوق ملت فلسطین و جلاد قانا ظاهر شده بود.

اکنون در حالی که معلوم شده آمریکا به تعهدات خود در قبال امتیازات گرفته در برجام پایبند نیست و برجام تبدیل به خسارت محض برای طرف ایرانی شده، معلوم نیست چرا باید طرف کلاهبردار و طرف بازنده مشترکا نامزد دریافت جایزه مشترک شوند؟! مگر اینکه تصور کنیم غرب به جای دادن حق و حقوق ملت ایران، مشغول فریبکاری‌های جدید و عملیات روانی تازه است.

لاف فتنه‌گر ورشکسته برای مدنیت و جمهوریت

یکی از سران فتنه و آشوب نیابتی سال ۱۳۸۸ فصل مشبعی درباره تمدن و اصلاح‌طلبی و آداب زندگی اجتماعی سخن گفت.

خاتمی در دیدار گروهی موسوم به انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه شیراز گفته است: روز گفت‌وگوی تمدن‌ها که از تقویم حذف شده، مرحوم است. سال ۲۰۰۱ با اجماع جهانی و از سوی سازمان ملل به عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نامگذاری شد و نقطه امیدی در عرصه بین‌المللی ایجاد کرد به ویژه آنکه این ایده از سوی شرق و دنیای اسلام مطرح شده بود اما درست در همان سال تروریسمی که خود را منتسب به اسلام می‌کند، به برج‌های دوقلو حمله کرد و سرنشینان هواپیما را به مواد منفجره‌ای تبدیل کرد که هم خود و هم هزاران نفر دیگر را نابود کردند.

وی گفت: منظور از احیای تمدن اسلامی چیست و آیا ما می‌توانیم تمدن اسلامی را مثل یک ساختمان بسازیم یا اینکه پیدایش، رویش و سقوط تمدن در یک شرایط خاصی از تاریخ رخ می‌دهد؟

خاتمی افزود: تمدن یعنی سکونت در مدینه که ترجمه پولیس است و آن متفاوت از سیتی است زیرا پولیس بیشتر به خود جامعه توجه دارد و سیتی به ساختار شهر.

وی با اشاره به گفته فیلسوفان مبنی بر اینکه انسان طبعاً مدنی است و طبیعت و جوهرش ایجاب می‌کند که اجتماعی زندگی کند، در ادامه گفت: در گفت‌وگوی تمدن‌ها می‌توانیم با شناخت ریشه‌های فرهنگ ایرانی اسلامی خود و شناخت زمان و مقتضیات آن مبادله فرهنگی و فکری با دیگر تمدن‌ها داشته باشیم.

وی همچنین گفته است: من اصلاح‌طلبی را پایبندی به انقلاب اسلامی و حاصل این انقلاب یعنی جمهوری اسلامی می‌دانم. در طول تاریخ سنت‌گریزان و سنت‌پرستان نتوانستند در جامعه نقش مثبتی ایفا کنند و مانع از اصلاح‌طلبی و رشد جامعه شدند، اما اصلاح‌طلبان هم دین را می‌خواهند و هم آزادی را، بنابراین از جمهوری اسلامی که حرمت و کرامت انسان در آن جایگاه دارد، دفاع می‌کنند.

وی افزود: آزادی از لوازم جمهوری است و مایه هویت ما اسلام است و در عرصه اجتماعی قرائتی از اسلام می‌تواند مؤثر باشد که با خواست تاریخی ملت ایران سازگار باشد.

لاف زنی این مهره کودتای مخملین درباره تمدن و گفت‌وگو و جمهوری‌خواهی و اصلاح‌طلبی و وفاداری به انقلاب اسلامی در حالی است که وی وظیف سیاسی متبوع وی بدوی‌ترین و ضد مدنی‌ترین رفتارها را در آشوب‌افکنی سال ۸۸ مرتکب شدند و همزمان به معارضه با اسلامیت و جمهوریت و قانون و امنیت ملی پرداختند؛ چندان که گروهک‌های ورشکسته سلطنت‌طلب و سازمان منافقین و گروهک ریگی نیز آفتابی شدند. آشوب‌طلبان ضمن خیز برداشتن برای تعطیلی جمهوریت، در کف خیابان شعار انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است می‌دادند و صراحتاً از حذف جمهوری اسلامی دم می‌زدند. خاتمی بعدها در پستوهای خصوصی اذعان کرد تقلب ۱۱ میلیونی دروغ بوده است. اما چون به هم افقی با اشغالگران عراق و افغانستان رسیده بود و عملاً در نقشه و زمین آنها بازی می‌کرد، همراه برخی سران مجمع روحانیون و حزب مشارکت و کارگزاران به فتنه‌انگیزی و فریب و تحریک مردم ادامه داد. ماجرای تصویب سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نیز، اقدام فریبکارانه‌ای بود برای خام کردن ملت‌های منطقه به ویژه ملت ایران برای غفلت از جنگ صلیبی و جنگ جهانی راه‌اندازی شده علیه امت اسلام. اتفاقاً دستمایه شروع آن جنگ نیز، تحرکات شاخه دوم اسلام آمریکایی در ماجرای ۱۱ سپتامبر بود. بعدها هیلاری کلینتون اذعان کرد که آمریکا در راه‌اندازی گروه‌هایی نظیر طالبان نقش اصلی داشته است.

اقتصاد در «رکود» غوطه‌ور است دولت آدرس «رشد» می‌دهد!

«ادعای رشد اقتصادی بدون خروج از رکود، سراب است»

روزنامه جوان در تحلیلی نوشت: عجیب است! نقدینگی به هزار و ۸۷ میلیارد تومان رسیده و در طول عمر دولت یازدهم حداقل دو برابر است اما تورم رو به کاهش است؟! عجیب است که براساس فلسفه پولیون مشاوره‌دهنده به دولت یازدهم نقدینگی افزایش یافته اما همچنان وضع صنایع خراب است.

براساس نظر پولیون برای خروج از رکود باید نقدینگی را افزایش داد تا رونق محقق شود و این اقدام نیز معمولا با کاهش نرخ سود بانکی محقق می‌شود. با این اوصاف پس یا باید در اقتصاد با این حجم نقدینگی، تورم و افزایش قیمت‌ها رخ دهد یا تقاضا افزایش یابد یا هر دو. پس چرا هیچ‌کدام از اینها محقق نشده و دولت تنها بر نرخ رشد اقتصادی آن هم در سال جاری تأکید می‌کند؟

پاسخ را می‌توان این گونه توضیح داد: اگر دولت بیش از اندازه بر نرخ رشد اقتصادی آن هم در ماه‌های پایانی تأکید دارد به این دلیل است که فروش نفت ما بیشتر شده، بنابراین افزایش فروش نفت به حدود دو برابر و افزایش صادرات میعانات گازی و سایر محصولات گازی مانند پتروشیمی می‌تواند این رشد را برای یک سال مثبت نشان دهد.

این اقدام شبه دستاورد یا سراب‌گونه که این روزها روی آن مانورهای زیادی می‌شود، همان روندی است که از ۴۵ سال پیش قابل رصد است، یعنی با دنبال کردن دوره‌های مختلف که قیمت نفت فراز و فرود دارد می‌توان به راحتی رابطه‌ای مستقیم میان نرخ سود و نرخ رشد را ترسیم کرد،اما نگاهی به آمارهای گمرک در شش ماهه اخیر نشان می‌دهد همچنان واردات رو به کاهش است و از آنجا که ترکیب واردات رسمی را بیشتر کالاهای واسطه‌ای تشکیل می‌دهند، بنابراین نمی‌توان امید به خروج از رکود در بخش‌های دیگری مانند صنعت را متصور شد (منهای صنعت خودرو که لابد برندهای غربی برای مردم جذاب است).

اثبات رکود ادامه‌دار را از طریق آمار دیگری نیز می‌توان استنباط کرد. در حالی که تولید ناخالص ملی ایران در سال براساس اعلام صندوق جهانی در سال ۲۰۱۱ حدود ۴۸۲ میلیارد دلار اعلام شده همین صندوق این آمار را برای سال ۲۰۱۶ حدود ۳۸۶ میلیارد دلار برآورد کرده است. بنابراین با اندکی تسامح می‌توان دریافت اقتصاد در سال جاری نسبت به سال ۹۰ همچنان اندازه کوچک‌تری دارد و نرخ رشد نشانه خروج از رکود نیست.

اگر از رکود خارج نشده‌ایم افزایش نقدینگی به رغم سیاست‌های انبساطی چرا به تورم منجر نشده است؟ پاسخ اولیه را در حالتی کلی می‌توان به کاهش تقاضا منتسب کرد، یعنی دولت و مردم پولی ندارند که باعث تحریک تقاضا و در نتیجه تورم شود؟ اما اگر این اتفاق افتاده پس نقدینگی دوبرابری کجا رفته و تکلیف علم اقتصاد درناکارآمدی نظریه‌هایش چیست؟ آیا نظریه‌هایی که اثبات می‌کند نرخ رشد نقدینگی با شتاب ۳۰ درصد در یک سال گذشته تورم ایجاد می‌کند، غلط است؟ خیر! زیرا نقدینگی موجود تقاضای خود را دارد و این متقاضی پرزور حتی اجازه نداده در سه سال اخیر مردم و دولت از آن استفاده یا سوءاستفاده کنند. این متقاضی پرقدرت دقیقا پاشنه آشیل فعلی اقتصاد ایران است و کسی نیست جز سیستم بانکی و صاحبان معوقه‌های بزرگ که با دارایی‌های سمی و با وجود کاهش نرخ تورم اجازه کاهش نرخ سود تسهیلات را نمی‌دهد، همان‌هایی که با ورود به بازی پونزی هر آنچه نقدینگی را تولید می‌کند در خود می‌بلعد. از شرکت‌های ورشکسته تا مستغلات باد کرده در بازار رکودی مسکن! و در این میان نیز دولت و بانک مرکزی جرئت اصلاح این سیستم را ندارند. این بازی پونزی ادامه می‌یابد تا یا دوباره درآمدهای جدید نفتی را برای ترمیم خود به کار گیرد یا همه اقتصاد را به درون خود خواهد کشید و فلج و خفه خواهد کرد.

بدعهدی آمریکا را کتمان کنید تا حرف منتقدان تأیید نشود!

صادق زیباکلام می‌گوید روحانی نباید بپذیرد که آمریکا در اجرای برجام بدعهدی و نقض کرده است چون در آن صورت حرف منتقدان تأیید می‌شود(!)

وی در روزنامه فرهیختگان نوشت: رئیس‌جمهور پس از بازگشت از نیویورک عنوان کرد که آمریکایی‌ها این بار وعده داده‌اند به تعهدات خود پایبند بمانند. به اعتقاد من اما مساله این نیست؛ نکته اساسی این است که دلواپسان در ایران هیچ‌گاه مایل نیستند روابط میان ایران و غرب بالاخص آمریکا وارد مرحله تنش‌زدایی شود. مگر نه اینکه تنش با آمریکا و دشمنی با این کشور در حقیقت هویت جریان دلواپس را تشکیل می‌دهد؟ بنابراین دلواپسان همواره مخالف هرگونه تنش‌زدایی، نزدیکی یا مصالحه در هر موردی با غرب هستند.

وی می‌افزاید: وقتی فشارها آنچنان زیاد می‌شود، گاهی شاهد هستیم که آقای ظریف وزیر امور خارجه کشورمان یا آقای صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی یا حتی شخص رئیس‌جمهوری مطالبی را صرفا برای آرام کردن دلواپسان به زبان می‌آورند و به چندصدایی در کشور دامن می‌زنند. آقای روحانی می‌گوید آمریکایی‌ها آن طور که باید و شاید، به وعده‌های خود عمل نکرده‌اند، آقایان صالحی و ظریف نیز این سخنان را تایید می‌کنند؛ اما نتیجه، عکس آن چیزی می‌شود که